

مدرسه زندگی

نوشته ژاک - نوتل پرنز

آنها حد و مرزی نمی‌شناخت. او این درس را بعدها که در زمینه تعلیم و تربیت به‌طور کلی به‌تفکر پرداخت همواره به‌خاطر داشت.

مارتین جوان در مدرسه لاتین مانسفلد به‌تحصیل پرداخت و سپس به مدرسه «برادران زندگی مشترک» در «ماگدبورگ» و بعدها به مدرسه کشیشی «آیزناخ» فرستاده شد. پس از آن دانشجوی دانشگاه «ارفورت» شد و پیش از گذراندن دوره فوق لیسانس، از آنجا لیسانس علوم انسانی گرفت. او قرار بود حقیق بخواند، ولی، علی‌رغم میل پدرش، تصمیم گرفت که وارد دیر راهبان پیرو «سن اگوستین» در ارفورت شود. در سال ۱۵۰۷ به مقام کشیشی نایل شد و پس از آن خود را وقف مطالعه معلوم

بزرگم واجداد همگی دهقانان واقعی بوده‌اند. اما پدر و مادر او در جستجوی درآمد بیشتر به معادن مس و نقره ناحیه مانسفلد رفتند، و پدر او یکی از اعضای مجلس عوام شهری شد که از سال ۱۸۴۸ با خانواده‌اش در آن اقامت گزیده بود.

لوتر جوان با انضباط شدیدی پرورش یافت. او در کتاب خود موسوم به «میزگرد» نوشت: «اولیای من بسیار سختگیر بودند، و در نتیجه در کودکی خجالتی بار آمدم. یک بار، مادر من بر سر موضوع بسیار کوچکی به‌قدری شدید مرا شلاق زد که خون از بدنم جاری شد. آنها تنها سعادت مرا می‌خواستند، اما در قضاوت خوی و منش من اشتباه می‌کردند، و تأدیب

اگرچه امسال در کلیه کلیساهای پروتستانت جهان یا نصدمین سالگرد تولد مارتین لوتر، مصلح بزرگ مسیحی، جشن گرفته می‌شود، اما این مراسم بیشتر به انجیل عیسی مسیح نظر دارد تا مؤسس مذهب ایشان یا قدیمی دیگر. از این جهت از او به عنوان یک نابغه بزرگ، مردی با بینش ژرف که در عین حال ضعفها و کمبودهایی نیز داشت و مردی که می‌خواست سراسر عمر خود را به انجیل وقف کند، به‌قدر کافی تجلیل به عمل نمی‌آید. در زمانی که در جستجوی پیرزندی او می‌تخریم، نه تنها موضوعات مربوط به قلمرو مذهب، عقیده و مسائل روحانی، بلکه جنبه‌های روزانه زندگی او را نیز مد نظر داریم.

با وجودی که هدف جنبش اصلاح‌طلبانه لوتر در وهله اول تضمین دین‌داری مردم از طریق به دور ریختن عمدی همه چیزهایی بود که نامربوط می‌نمود، این جنبش در عین حال خواهان آن بود که مسیحیان را در جهان مخلوق شهر و ندانی آکنده از روح مسؤولیت نسبت به جامعه و محیطی که بنا به مشیت پروردگار در آن قرار گرفته بودند، به‌بار آورد.

عصری که لوتر در آن می‌زیست عصری خارق‌العاده بود. شاید به‌اندازه کافی اهمیت این مسأله را درک نمی‌کنیم که عصر نامبرده عصر «اراسموس» و «رابله»، عصر «آلبرخت دورر» و «میکل آنژ»، عصر «کپرنیک» و «پاراسلسوس»، عصر «ماکیاولی»، «ایگناتیوس لویولا»، «مازلان» و گروه بیشماری از چهره‌هایی بود که به علوم، ادبیات و هنرهای آن زمان جلوه تازه‌ای بخشیدند و آنچنان دگرگونی‌هایی پدید آوردند که آن عصر بدرستی «رنسانس» نامیده شد.

عصر مذکور همچنین عصر «فاوست»، و نیز عصر دودمان بانکدار «فوگر» بود، که می‌پنداشتند پول می‌تواند همه چیز را بخرد. به‌موازات توسعه بازرگانی و بانکداری، مردان قرن شانزدهم و قرون که از پی آن آمد، به مسیر تازه‌ای کشیده می‌شدند. از آن پس جهان در نظر آنها جلوه‌ای دیگر یافت، و در عین حال آثار تلاش جدیدی که در زمینه ارتقاء دانش بشر به‌عمل می‌آمد، بتدریج آشکارتر شد. در نوشته کوتاهی که از نظر تان می‌گذرد، کوشیده‌ایم تا تأثیری را که اندیشه لوتر بر آموزش و پرورش زمان خود و بر فرهنگ عصر ما داشته است، روشن سازیم.

مارتین لوتر در دهم نوامبر ۱۴۸۳ در «آیزلین»، واقع در ناحیه ساکسونی، دیده به جهان گشود. پدر او «هانس لوتر» و مادرش «مارگارتا زیگلر» نام داشتند. همان‌گونه که خود او نوشت: «من دهقان‌زاده‌ام و پدرم، پدر-



Photo © Edimedia, Paris Private Collection

مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۶۸۳)، رهبر جنبش اصلاح‌گرایانه‌ای که در قرن شانزدهم به تولد پروتستانسزم منتهی شد، با اعضای خانواده‌اش که از روی یکی از تابلوهای «هلپاین» برداشته شده است، در جهت حرکت عقربه‌های ساعت از بالا سمت چپ: لوتر، همسر، مادر و پدر او. در وسط تصویر دختر او مارتینا قرار دارد.

ژاک - نوتل پرنز، از علمای الهیات فرانسه و کشیش کلیسای انجیلی لوتر در فرانسه است. وی که ریاست «مرکز فرهنگی لوتر» در پاریس و جنبش «کلیسا و جهان یهود» را بر عهده دارد، در دانشکده مطالعات جهانی مؤسسه کاتولیک پاریس تدریس می‌کند.



دینی کرد. در سال ۱۵۱۲ دکترای الهیات خود را گرفت و از سال ۱۵۱۳ به بعد در دانشگاه «ویتن برگ» به تدریس کتاب مقدس پرداخت و در این راه نهایت سعی خود را مبذول داشت. او با اشتیاق وافر کتاب مقدس را شرح می‌داد. انجیل مشوق او در راه اصلاح کلیسا شد که وی به خاطر آن شهرت دارد. براساس اصولی که لوتر در انجیل تشخیص داده بود، در ۳۱ اکتبر ۱۵۱۷ او تزه‌های نود و پنج گانه خود علیه افراط‌کاریهای کلیسا را علنی ساخت. با وجودی که نهضت اصلاح‌طلبی از مدتها پیش در حال شکل گرفتن بود، این اقدام لوتر به طور نمادین نقطه شروع آن شناخته شد.

سال ۱۵۲۰ سال انتشار «نوشته‌های کبیر نهضت اصلاح‌طلبی» بود، عنوانی که به نوشته‌های زیر از لوتر داده شده بود: «خطابه‌ای به مقامات عالی مسیحی در آلمان» و رسالتی در باب «اسارت بابل گونه کلیسا» و «آزادی

هیچ درختی برای خود بار نمی‌آورد، بلکه برای دیگران میوه می‌دهد.

لوتر

یک فرد مسیحی. حکم رسمی پاپ «Exsurge Domine») که به موجب آن لوتر از جامعه روحانیت طرد می‌شد نیز در همین سال صادر گشت.

از آن زمان به بعد وقایع بسیاری اتفاق افتاد. در سال ۱۵۲۱، لوتر از طرف مجلس «ورمز» از حقوق مدنی خود در داخل امپراطوری محروم شد. در فاصله سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲، فرمانروای ساکسونی او را در قلعه «وارتبورگ» زندانی کرد. لوتر در اینجا به ترجمه کتب عهد جدید به آلمانی پرداخت و بدین وسیله شالوده زبان نوین آلمانی را ریخت (او ترجمه کامل انجیل را در سال ۱۵۳۴ به پایان رساند). در سالهای ۱۵۲۵-۱۵۲۴، قیام دهقانی به وقوع پیوست، و در سال ۱۵۲۵ لوتر با «اراسموس» اهل رتردام، که از اومانسته‌های آن دوره بود، بر سر موضوع جبر و اختیار به بحث و مجادله پرداخت، و در همان سال با کاتارینا فون بورا ازدواج کرد. در سال ۱۵۲۹ با چاپ «پرسش و پاسخ کوتاه و بلند دینی»، که راهنمایی بی‌نظیر در زمینه اصول مسیحیت بود، استعداد خود را به عنوان یک معلم هویدا ساخت.

Photo: E. Emdin, Paris Private Collection

داستان خلقت زیباترین داستانهاست.

لوتر

در سال ۱۵۳۰، علمای الهیات پروتستان در برابر مجلس سلطنتی «آوگسبورگ» به اعتقادات خود اعتراف کردند. این اعتراف که به «اعتراف آوگسبورگ» شهرت یافت، در واقع منشور پیروان لوتر بود. لوتر تا سال ۱۵۴۶، یعنی سال مرگش، به نوشتن و وعظ ادامه داد و کوشید تا مؤمنان را ارشاد کرده، تعالیم خود را به آنها منتقل کند. در حال حاضر، نسخه رسمی «وایمار» از آثار منتخب لوتر که «وایمار آئوسگاب» نام دارد، از صد و چند جلد کتاب تشکیل می‌شود و هنوز کامل نشده است!

مفهوم «ترس از خدا» تعلیم و تربیت قرون وسطی را کاملاً اشباع کرده بود، و بی-

در سی و یکم اکتبر ۱۵۱۷ لوتر تزه‌های ۹۵ گانه مشهور خود را بر در قلعه کلیسای «ویتن برگ» آویز کرد و سوء استفاده‌های گوناگون کلیسا را به باد انتقاد گرفت. او با این عمل خود جنبش را آغاز کرد که به زودی سراسر اروپای شمالی را دربر گرفت. این جنبش اصلاح‌گرایانه مذهبی بر مسیحیت غربی و تمدن غرب اثری قاطع گذاشت و زمینه‌ساز پیدایش اندیشه‌های نوین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شد. تصویر بالا لوتر را به هنگام وعظ در کلیسای ویتن برگ نشان می‌دهد.

که قبلاً ذکر شد) صفحات متعددی را به موضوع آموزش و پرورش اختصاص داده بود و حتی برنامه کاملی برای اصلاحات دانشگاهی تنظیم کرده بود. او از جمله پیشگامان مخالفت با اسکولا سیستم بود. تدریس بر مبنای دانش دست دوم را رد می‌کرد و مبلغ بازگشت به منابع اصلی بود.

او مطالعه زبانها را تشویق می‌کرد، و درک بهتر انجیل را از راه آموختن زبانهای ملی میسر می‌دانست. به قول خود او: من با کمال میل می‌پذیرم که می‌توان «منطق»، «صفت بیان» و «رساله شعر و زیبایی‌شناسی» ارسطو را حفظ کرد و متن خلاصه آنها را خواند و بهره گرفت. این قبیل کتب را می‌توان برای

مناسبت نخواهد بود که استدلال کنیم هدف اصلی آموزش در آن دوران آموختن این نکته به مردم بود که چگونه خوب بمیرند، و به عبارت دیگر چگونه در برابر خدایی که اساساً به منابه یک قاضی سنگدل در نظر گرفته می‌شد، ظاهر شوند. کشف بزرگ لوتر مبنی بر اینکه خدا بیش از آنکه یک خالق مقتدر باشد یک پدر مهربان است که اعمال نیکو را پاداش و مؤمنان را رستگاری می‌دهد، او را بر آن داشت که اندیشه نظام جدیدی از آموزش را دز سر بپروراند.

جالب توجه است که لوتر از همان سال ۱۵۲۰ در «خطابه‌ای به مقامات عالی مسیحی در آلمان» (یکی از سه نوشته بزرگ اصلاح‌طلبانه

تعلیم فن سخنوری و موعظه به افراد جوان به کاربرد، اما تفاسیر و تأویلات آنها باید حذف شود، به همان طریقی که می‌توان «بلاغت» سیسرو را بدون تفسیر و تأویل خواند.

کتاب «منطق» ارسطو را باید همان‌گونه که هست خواند و به تفاسیر طولیلی که درباره آن نوشته شده، وقتی ننهاد. امروزه سخنوران یا وعظ از آن تفاسیر چیز سودمندی نمی‌آموزند؛ و آنها دیگر موضوع مباحثه و جدل نیستند. در کنار این موضوعات، ما هنوز باید زبانهای لاتین، یونانی و عبری، و علوم ریاضی و تاریخ را داشته باشیم و درباره این موضوعات در برابر کسانی که بیشتر صاحب نظرند، سر تعظیم فرود می‌آوریم. اگر کوششی جدی در زمینه شروع اصلاحات به عمل می‌آمد، نتیجه کار بدون شک عالی می‌شد. حقیقت این است که موضوع اصلاحات مهمترین موضوع است؛ لوتر تنها به آموزش دانشگاهی توجه نداشت، بلکه در زمینه آموزش ابتدایی نیز پیشنهادهایی نمود. از جمله، او پیشنهاد کرد که هر شهر و ده باید نه تنها برای پسران بلکه

می‌شود، تا شهرها از آرامش و امنیت برخوردار شوند، چرا نباید بودجه‌ای را به نگاهداری يك یا دو فرد با تجربه به‌عنوان معلم جوانان بدبخت اختصاص داد؟

در واقع لوتر حرفه معلمی را ارج بسیار می‌نهاد، به‌حدی که در کتابش موسوم به «بحث پیرامون وظیفه فرستادن کودکان به مدرسه» (۱۵۳۵) او اظهار داشت چنانچه يك واعظ نمی‌بود، مدیریت مدرسه را انتخاب می‌کرد.

او در ادامه سخن خود چنین نوشته‌است که «تربیت و بارآوردن نوجوانان» جالبترین و مطلوبترین کارهاست، حتی اگر برخی از آنها متاسفانه، در میانه راه، تحصیل را رها کنند. بدین ترتیب، لوتر نشان داد که دقیقاً از اهمیت کاری که در برابر مریان قرار داشت آگاه بود و با وجودی که بر جنبه نشاط‌انگیز این حرفه انگشت می‌گذاشت، از شکستهای احتمالی مریان نیز غافل نبود.

در این زمینه، لوتر نه ساده دل بود و نه پندارگرا و بوضوح می‌دانست که آنچه

می‌شود که نیارهای آموزشی کودکان خود را برآورند، اما باید در نظر داشت که هر يك از نکات اصلی مندرج در «پرسش و پاسخ کوتاه دینی» او (مربوط به سال ۱۵۲۹) با این عبارت شروع می‌شود: «همان‌گونه که سرپرست خانواده باید آن را ارائه دهد و آن را به کودکان و زیردستان خود بیاموزد، دربارهٔ نکته اخیر دو اظهار نظر لازم است: نخست اینکه تعلیم (گرچه در کتاب مورد نظر او دربارهٔ تعلیم دینی سخن می‌گوید) نباید محدود به کودکان خانواده بشود بلکه باید خدمه و هر کسی را که زیر آن سقف زندگی می‌کند، در برگیرد. به‌عبارت دیگر و به‌زبان امروزی نباید هیچ «تبعیضی» وجود داشته باشد. دوم اینکه، لوتر مشارکت سرپرست خانواده را خواهان می‌شود. اولیاء نباید نسبت به آموزش کودکان خود بی‌اعتنا باشند و باید به‌طور فعال در آن شرکت جویند.

لوتر در «پرسش و پاسخ کوتاه دینی» روشی را آموزش را در نظر می‌گیرد که به موجب آن آموزش به‌شکل يك گفت و شنود،

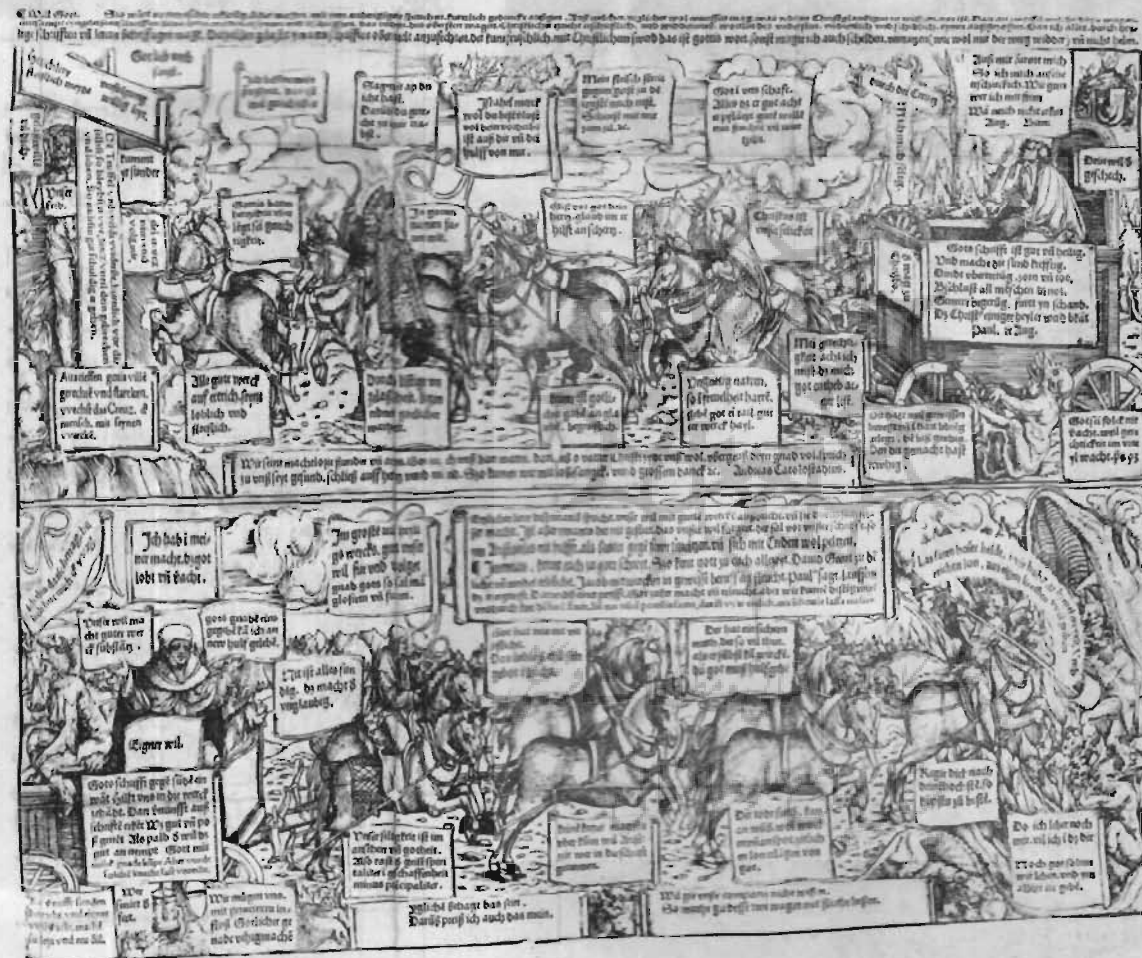


Photo - Hamburger Kunsthalle, Hamburg, Fed. Rep. of Germany

هنرمند آلمانی «لوکاس کراناخ (۱۵۲۳-۱۴۷۳)، که از دوستان نزدیک لوتر بود، در نقاشیها، گراورها، و حکاکیهای خود بر روی چوب باحرارت از ارمان پروتستان دفاع می‌کرد. گراوری که مشاهده می‌شود مانند کمیکیهای امروزی طرح شده است و لوتر را در راه بهشت (بالای تصویر) و دشمنانش را در حال رفتن به دوزخ (پایین تصویر) نشان می‌دهد. این گراور برای آماده کردن زمینه يك بحث بر اهمیت، که در سال ۱۵۱۹ در لایپ زیگ بین لوتر و «یوهان الک» (از علمای الهیات کاتولیک رومی) برگزار شد، به کار رفت.

برای دختران نیز مدرسه‌ای داشته باشد. به قول خود او: «ای کاش می‌شد هر شهر مدرسه‌ای برای دختران داشته باشد که در آن انجیل به‌زبان لاتین یا آلمانی لااقل برای يك ساعت در روز تدریس شود!» از این عبارت کوتاه به‌وضوح آشکار می‌شود که هدف لوتر این بود که هر کس قادر به‌خواندن و فهم انجیل باشد.

سالها بعد، در سال ۱۵۲۴، در «نامه‌ای به شهرداران و رؤسای انجمنهای همهٔ شهرها به‌نیابت از طرف مدارس مسیحی» - عنوانی که خود برنامۀ کاملی است - لوتر بحثی را مطرح کرد که هنوز به‌شیوهٔ شگفت‌آوری دست اول به‌نظر می‌رسد. او در نامۀ مذکور نوشت: «آقایان، در شرایطی که همه ساله مبلغ گزافی صرف تسلیحات، جاده‌سازی، پدسازی، سد سازی و موضوعات پیشمار دیگر از این نوع

تعلیم و تربیت نظری نامیده می‌شد، خود نمی‌توانست هدف باشد؛ و برای آماده کردن فرد برای زندگی روزمره کفایت نمی‌کرد. بدین علت است که او پیشنهاد کرد علاوه بر آموزش و پرورش رسمی، باید به‌جوانان يك حرفه نیز آموخت؛ پسران باید روزی يك تا دو ساعت به این گونه مدارس فرستاده شوند، اما در عین حال باید در خانه نیز باقی روز را به کار بپردازند و حرفه یا فنی را که مطابق میلشان است بیاموزند، به‌طوری‌که هر دوی اینها، تا زمانی که جوانند و قادر به کار و کوشش، دست در دست هم جلو بروند.

در اینجا نیز باید تأکید را بر جنبه خاصی از اندیشهٔ لوتر دربارهٔ تعلیم و تربیت گذاشت. گرچه، در پاره‌ای موارد، او ادعا می‌کند که ساختن مدارس به این دلیل ضروری است که نفعان آموزش خود اولیاء مانع از آن

و مجموعه از پرسش و پاسخ‌هایم می‌آید و کم‌کم محصل را به درک چیزهایی توانا می‌کند که معلم مایل به آموختن است، حال این معلم بدان گونه که لوتر در روزگار خود پیشنهاد می‌کرد، يك پدر باشد یا آن‌گونه که امروز مطرح است يك راهنمای روحانی. آنچه که کاملاً حالب توجه است این است که «پرسش و پاسخ کوتاه دینی» هنوز در بسیاری از کلیساها های لوتری در سراسر جهان کاربرد دارد. دانش انتقال داده می‌شود، اما مطلقاً صحبت پر کردن مفاهیم خواه ناخواه پیچیده به‌آزهان جوانان در میان نیست. آنچه هر نسل به‌نسل بعدی منتقل می‌کند، در وهلهٔ اول يك سنت، يك پدیدهٔ زنده، یا يك تجربه است.

پس از لوتر، اصلاح‌طلبانی چون (ملانکترن) - که بزرگ مربی آلمان نامیده می‌شد -، کالون و سایرین راه مشابهی را



در پیش گرفتند. آنها در عین حالی که احتمالاً برداشتهای متفاوتی داشتند، هدف واحدی را دنبال می‌کردند. آنچه مورد نظر ماست، این است که همه آنها یک «طرح فرهنگی» حقیقی در سر داشتند، که همه زوایای زندگی را در بر می‌گرفت، خواه زندگی اعتقادی باشد و خواه زندگی در جامعه. آنچه اساساً مورد نظر همه آنها بود، تربیت عده‌ای عالم نبود بلکه تعلیم مردان و زنانی بود که قادر به زندگی براساس اصول معنوی بوده و شاهد و ناظر بر الطاف الهی باشند. به عبارت دیگر، «خداترسی» تعلیم و تربیت قرون وسطی، که قبلاً به آن اشاره کردیم و گفتیم که هدف از آن آماده کردن فرد برای هنگام مرگ بود، به دست لوتر و پیروانش به عشق شورانگیز نسبت به خدا، خدایی که انسان را در طول زندگی خود به رستگاری هدایت می‌کند، تغییر یافت.

از این دیدگاه می‌توان گفت که آراء لوتر دربارهٔ تعلیم و تربیت هنوز کارایی خود را حفظ کرده است. جهان امروز، سالهای بعد از لوتر اصلاح‌طلب، مانند دنیای قرن شانزدهم، مدام در حال حرکت است و ما شاهد دگرگونی‌های شگرفی هستیم که هر روز به وقوع می‌پیوندد. آیا نباید همچنان این نظر را داشته باشیم که آموزش خوب در حقیقت آموزشی است که به‌طور مطلق مبتنی بر دیدی خوش

دژ وارنبرگ (عکس فوقانی) در شیب یک تپه مشرف به شهر آیزناخ در جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد. لوتر هنگامی که در این مکان رمانتیک زندانی بود شروع به ترجمه «عهد جدید» از یونانی به آلمانی کرد. ماحصل کار که در ۱۵۲۲ انتشار یافت، همراه با ترجمه «عهد قدیم» که بعداً تهیه شد، شاهکاری ادبی بود که به شکل‌گیری زبان آلمانی معاصر کمک شایان توجهی کرد. سمت راست، یکی از اتاقهای وارنبرگ که لوتر در آن به کار ترجمه کتاب مقدس پرداخت. این اتاق در حال حاضر به عنوان یادبودی از دستاورد تاریخی او حفظ می‌شود.

Photos Hellmut Opitz - Panorama, German Democratic Republic



قسمتی از یک پرتره گروهی از لوتر (سمت چپ) و دوستانش، از جمله فریدریک حاکم ساکسونی. این پرتره در حوالی سال ۱۵۳۰ توسط لوکاس کراناخ تهیه شده است.

Photo © Edimedia, Paris



بنیانه است و از طریق گفت‌و شنودی دایمی تکامل می‌یابد؛ و آن آموزشی است که به انسان سربلند زیستن و آینده‌نگری را می‌آموزد.

درست است که لوتر بر بعد مسیحی تعلیم و تربیت و برجایگاه عمده انجیل در آن تأکید می‌ورزید. این روشی است که او برای پیشبرد دیدگاه خود برگزیده بود. به نظر وی، انضباط، فرهنگ و حمی معنوی، همگی بستگی به این آگاهی مسیحی دارد که الطاف خداوندی زندگی جدیدی را سبب می‌شود. و نهایتاً مسیحیان را قادر به کسب آزادی از اوضاع و احوالی می‌کند که در غیر این صورت نوعی اسارت می‌بود. با این همه، به نظر می‌رسد، به عقیده لوتر این تنها طریقه‌ای است که آموزش و پرورش می‌تواند از محدوده کوچکی که به اصطلاح فلسفه‌ها یا راه و رسمهای زودگذر مطرح می‌کنند، فراتر برود و در نهایت «مدرسه زندگی» بشود.

■ ژاک - نوئل پرز